

## تضادهای اجتماعی، روانی و فرهنگی نسل جوان با تحلیل جامعه‌شناختی از قرآن

دکتر فرهاد امام جمعه  
استادیار دانشگاه آزاد اسلامی واحد اراک

فرهنگی در جامعه را به نحوی تنظیم می‌کنند که توجیه‌گر قدرت‌شان باشد؛ هرچند که عواقب منفی جهت ایجاد آگاهی‌های کاذب و دروغین، اغفال اجتماعی، تک بعدی شدن و سرگردانی‌های فراوان در مردم و افراد زیردست به وجود آید.

قرار گرفتن جوامع امروز در مسیر گذر و تحول به سوی رشد و توسعه صنعتی و اقتصادی، پاره‌ای از تضادهای اجتماعی - فرهنگی را برای اعضای این جوامع به وجود آورده است؛ از جمله:

- تضاد سنت یا مدرنیسم؛
- تضاد قانون‌گرایی با روابط عاطفی و فامیلی؛
- تضاد مصرف‌گرایی با کار و فعالیت خلاق علمی و فنی؛

- تضاد فرهنگ ذهنی‌گرایی و تعصب‌گرایی پیشین با فرهنگ دارای سنت‌های عقلی، عینی و برنامه‌ریزی برای زمان حال و آینده<sup>۱</sup>.

در چنین مناسبات اجتماعی، بخش بزرگی از نسل حاضر نمی‌داند، سنتی باشد یا متجدد؛ اهل قانون و ضوابط عقلی باشد یا تحت تأثیر روابط فامیلی، درون‌گرویی و عاطفی؛ قانع به داشته‌های خویش باشد یا در حرص مصرف‌روزافزون تقلیدی به سر برد و نگران از این‌که مبادا از دیگران عقب بماند و مورد بی‌احترامی و بی‌اعتنایی و تمسخر دیگران واقع شود<sup>۲</sup>.

بنابراین، نسل امروز جامعه سخت در گردونه پریشانی، ابهام و تقلید از ژست‌های گوناگون و متناقض قرار گرفته است و نمی‌داند که چگونه برای رسیدن به اهداف خود در جامعه از هنجارها و شرایط موجود جامعه به درستی استفاده کند. این نسل، از یک سو نابرابری و بی‌عدالتی اجتماعی (فقر و بیکاری و...) را می‌بیند و حتی خود احساس می‌کند و از سوی دیگر می‌خواهد به رفاه و منزلت بالای اجتماعی برسد. لیکن نابرابری‌ها فزونی یافته و فرصت‌ها بسیار محدود شده است؛ لذا نسل جدید، خود را تنها و بیگانه و دچار مشکل

این مقاله، با نگاه جامعه‌شناختی، مسأله «تضاد اجتماعی - روانی نسل جوان» را بررسی کرده و در همین راستا، به تعریف و تفسیر ابعاد مختلف تضاد اجتماعی از دیدگاه جامعه‌شناسی پرداخته است؛ سپس دیدگاه و برداشت قرآن‌شناختی نگارنده آمده که با بهره‌گیری از آموزه‌های قرآنی می‌توان به طور علمی و کاربردی از میزان تضادهای اجتماعی - روانی نسل جوان کاست.

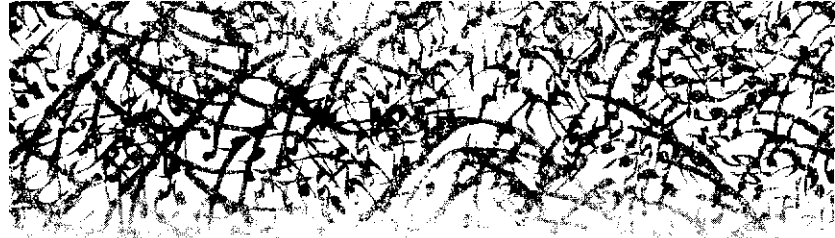
سؤال حاکم بر مباحث این مقاله آن است که آیا تضادهای اجتماعی - فرهنگی و عواقب اخلاقی - رفتاری آن که در بخش بزرگی از گروه‌های جوان جامعه امروز وجود دارد، با رجوع به آرای اسلامی - قرآنی قابل حل است؟

در فرهنگ علوم اجتماعی، ذیل عنوان تضاد آمده است:

تضاد از ریشه conflict به معنای برخورد کردن و مبارزه کردن گرفته شده است. هرگاه دو یا چند گروه به جهت تألیف اندیشه یا منافع در حال تعارض آشکار و عدم توافق آمیخته با خشونت و مانند آن باشند، با وضعی مبتنی بر کشمکش مواجه خواهند بود. این تضاد، صورت‌های گوناگونی دارد. از تقابل‌های اجتماعی گرفته تا کشاکش‌های بین‌المللی. نظریه پردازان اجتماعی، موضوع تضاد در جامعه را با اعتقادی خاص مورد توجه قرار می‌دهند.

رالف‌دارندروف (۱۹۵۹ م.) - از جامعه‌شناسان آلمانی - معتقد است: تضادها در جامعه، صفت تودرتو دارند و بر یکدیگر منطبق نمی‌شوند. وی مدعی است که کشمکش اصلی در جامعه به توزیع نابرابر قدرت، اقتدار و آنچه باعث پدید آمدن منافع متعارض می‌شود ارتباط دارد و از رهگذر آن است که روابط سلطه‌گر و زیردست بودن در جامعه به وجود می‌آید<sup>۳</sup>.

سلطه‌گران جامعه، روابط اجتماعی و الگوهای



احساس می‌کند. نسلی که خود را در معرض سیل فشار تبعیض و نابرابری می‌بیند، نمی‌داند چگونه و با چه ابزاری می‌تواند، به اهداف فردی و اجتماعی اش برسد. قبل از ورود به بحث اصلی، بهتر است این سؤال را مطرح کنیم که آیا تضادهای اجتماعی در جامعه امروز وجود دارد؟ خاستگاه این تضادها را در کجا باید جستجو کرد؟ این تضادها چه نظم‌ها و شرایط ساختاری را رقم زده است؟ آیا این نظم‌ها و شرایط ساختاری آزاردهنده قابل تغییر و اصلاح هستند؟ برخی از جلوه‌های تضاد اجتماعی - فرهنگی به این قرار است:

متجدد بودن و در برابر آن هنجارهای سنتی را رعایت نمودن؛ عالم و کارشناس واقعی شدن، اما از تلاش برای معاش و زندگی روزمره عقب نماندن؛ استقلال شخصیت انسانی و با هویت انسانی ماندن، اما ملاحظه کاری کردن و از صاحبان قدرت‌های طاغوتی و ثروت‌های نامشروع ترسیدن و اطاعت محض کردن از آنان؛

دوستی ورزیدن و دوست داشته شدن، اما تنها کار خود را کردن و در اندیشه جمع آوری مال و قدرت برای خود بودن؛ علاقه به اظهار اندیشه نمودن، اما وابسته به قول این و آن شدن؛

ایمان به پایداری ارزش‌ها و عقاید دینی و انسانی داشتن، اما به هر نحوی در جستجوی ثروت و قدرت بودن و...

اینها صورت‌های دیگری از تضادهای اجتماعی - فرهنگی در جامعه امروز است که آثار روانی و اخلاقی مطابق با خود را در روحیات نسل کنونی به وجود آورده است.

اگر در ماهیت رفتار و پندار نسل جدید بیاندیشیم، می‌بینیم که نسل جدید می‌خواهد خود را آراسته به آداب و ابزار تمدن جدید کند. برای نمونه، این نسل می‌خواهد تحصیلات دانشگاهی را تجربه کند و از این روال‌ها شک و سؤال شده است. فکر می‌کند و می‌خواهد فکر خود را عرضه کند. می‌خواهد برای اندیشه و اظهار فکر و سؤال او گوش شنوایی وجود داشته باشد؛ اما از سوی دیگر، این نسل، با الگوهای ساختاری پدر سالار و سنتی موروثی مواجه می‌شود. نسل کنونی خود را کمتر دارای جسارت و شجاعت منطقی و انسانی در برابر صاحبان قدرت و ظاهراً دارای فضل و دانش می‌بیند و بیشتر آموخته و عادت کرده که ساکت و صامت و

محبوب باشد؛ بدین گونه، قدرت پرستی و گاه شخصیت پرستی و ترویج احترام‌های دروغین و ایده‌های سنگ فکراته و تنگ نظرانه ملوک دارای جاه و موقعیت برتر اجتماعی در فضای فرهنگی جامعه شاخص می‌شود.

جوان امروز نمی‌داند، آیا با روحیه دانشگاهی و تفکر عقلی و شک‌گرایی انتقادی در روابط اجتماعی - فرهنگی پیش قدم شود؛ یا بالعکس، ساکت و زبان بسته و فکر و دل خاموش باشد تا مبادا با آنها برخورد شود؟

ما معتقدیم نسل جوان امروز در دایره تضادهای اجتماعی و فرهنگی سنگینی قرار گرفته است. این واقعیت مسائل و آسیب‌های روحی و اعتقادی فراوانی را در شخصیت اجتماعی جوانان پدید آورده است. علائم این آسیب‌شناسی، انقباض بینش و روحیه و گاه واکنش‌های انتقادی و هیجانی شدید است که به صورت خشونت‌های مقطعی و ناسازگاری‌های اجتماعی با خانواده و نظام فرهنگی و قانونی جامعه خودنمایی می‌کند.

#### پاسخ مسائل مطروحه از آیات قرآن

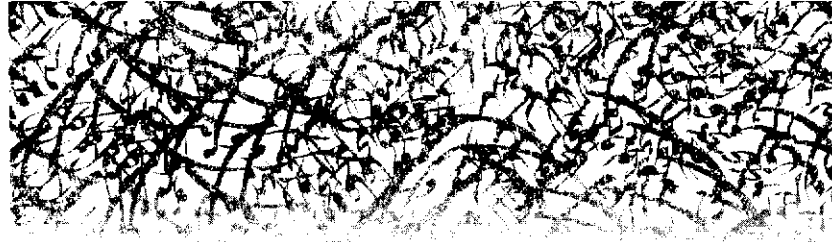
به اعتقاد نگارنده - در خصوص مسائل مذکور - می‌توان الگوها و پاسخ‌های مناسبی را از قرآن کریم به دست داد.

در قرآن می‌خوانیم که خداوند حکیم، خالق ناظر کل عالم است. ما برای رفع نقایص خویش نیاز داریم به صفات الهی تخلق پیدا کنیم. همه عالم از اوست و به سوی او در حرکت است<sup>۱</sup>. مهربان و دوست حقیقی آدمی تنها و تنها خداوند کریم و اولیای برحق اوست. همه عالم و ذرات آن برای تکریم و ستایش او در جنبش‌اند؛ اعم از موجودات دارای آگاهی و قوه ناطقه و فاهمه و نیز موجودات فاقد آگاهی و قوه ناطقه. خداوند جل جلاله سازنده اساس و بنیاد هستی است و تنها اوست که باقی و برقرار و جاویدان است<sup>۲</sup>؛ لذا تنها او در همه جا<sup>۳</sup> به عنوان نیروی قادر و کامل و صانع و خالق هستی وجود دارد.

این خالق، مخلوق خود را دوست دارد<sup>۴</sup> و اگر مخلوق به سوی او حرکت کند، او را می‌پذیرد و به مراتب کمال می‌رساند<sup>۵</sup>. هرگاه آدمی بخواهد الفبای آدمیت خود را بیابد، ضروری است که به سوی صانع و خالق مهربان و رحیم خویش حرکت کند<sup>۶</sup>؛ زیرا اوست که از روح خود در آدمی دمیده است<sup>۷</sup>.

اگر آدمی از خدا - که از رگ گردن به او نزدیک‌تر





است<sup>۱۱</sup> - غفلت ورزد، از هویت خویش دور می‌شود؛ لذا وحدت خاطر و اندیشه‌ای ندارد و نهاد دل و روان او به سوی وحدت پیش نمی‌رود و بیشتر به سوی کثرت حرکت می‌کند. از این روست که انسان‌ها به دام پریشانی و احساس نگرانی و خسارت می‌افتند.

اگر آدمی نتواند این معنا را بفهمد و خویش را به صفات الهی نیاراید، به آسیب‌های فراوان روحی، اجتماعی و فناپذیری کامل در این عالم خاکی دچار می‌شود.

به اعتقاد نگارنده، شاید مهم‌ترین زمینه‌ساز قرار گرفتن در چالش تضادهای اجتماعی و روانی، آن است که انسان نتواند خویش را در وحدت قرار داده و به روی حبیب حقیقی و خالق راستین و مهربان خویش که منشاء رحمت‌ها و برکت‌های عالم است، با توکل<sup>۱۲</sup>، عبادت<sup>۱۳</sup> و رضایت<sup>۱۴</sup> را بگشاید و از هرچه غیر اوست، بپرهیزد<sup>۱۵</sup> و حتی بر کافرین و ظالمین بشورد<sup>۱۶</sup>.

اگر آدمی نور ایمان را در خویش نیابد، همواره در چاه ویل ناتوانی‌ها و سرگشتگی‌های خویش باقی خواهد ماند و فشار تضادهای اجتماعی و روانی هر لحظه در او بیشتر شده و هیچگاه از میان نمی‌رود.

عده‌ای به قرائت صوری الفاظ قرآن می‌پردازند؛ بدون آنکه معانی آن را فهم کنند؛ در حالی که اگر قرآن را با نیاز، ایمان، تواضع، توجه و تفکر بخوانیم، می‌بینیم که خداوند چه زیبا و ظریف و حکیمانه پیام می‌دهد:

۱ - در آیات و نشانه‌های او در طبیعت، فضا، زمان و مکان، جامعه و نفس انسانی و تاریخ بیندیشید<sup>۱۷</sup>.

۲ - چشم بسته چیزی را نپذیرد و از آنچه به آن آگاهی ندارید، پیروی نکنید.

۳ - خود را گرفتار نیاکان و اجداد خود نکنید<sup>۱۸</sup>.

۴ - از ابزارهای شناخت - از جمله: چشم، گوش، قلب و فکر - استفاده کنید. اگر از این ابزارها استفاده نکنید، چون چارپایان و بلکه بدتر از آنها خواهید شد<sup>۱۹</sup>.

۵ - به آنچه می‌دانید و می‌گویید، عمل کنید<sup>۲۰</sup>. اگر عمل نکنید، چون حماری می‌شوید که تنها اسفار و اوراق را با خود حمل می‌کنید<sup>۲۱</sup>.

اگر قرآن به عنوان یک اثر علمی مطالعه شود، آموزه‌های نو و پویا و متنوعی را به دست خواهیم آورد؛ البته علم نه به معنای علم رسمی روز، بلکه به معنای علمی که بر قلب مبارک اولیای خدا القامی شود و طالبان حقیقت عالم غیب را به سوی خود می‌کشاند. شرط فراگیری آموزه‌های قرآنی آن است که با توجه و دقت تمام و تواضع و ایمان مخلصانه در آیات آن بیاندهشیم. در آن صورت خواهیم توانست پاسخ بسیاری از مسائل و بحران‌های اجتماعی - روانی انسان و جوان امروز را در آن پیدا کنیم.

به اعتقاد نگارنده، از آیاتی که پیشتر ذکر شد می‌توان بهره‌های کاربردی فراوانی را در جهت حل تضادهای اجتماعی - روانی نسل جوان امروز به دست آورد. نویسنده، در این زمینه با بهره‌ای که از آیات جان بخش قرآن کریم برگرفته، ملاک‌ها و نظریات ذیل را توانسته، استخراج کند:

۱ - با الهام از بینش قرآنی، مناسب است در برنامه‌های آموزش و پرورش و دانش آموختگان مدارس، توجه به طبیعت و گردش‌های علمی و سیر و سیاحت در طبیعت به عنوان یک اصل شمرده شود تا این که نوجوان و جوان خود را در دامن طبیعت بشناسد.

باید دانست که ذهن و روح جوانان امروز همانند اسفنج نیست که هر وقت هر کاری بخواهیم، بر روی آن انجام دهیم. بهتر آن است که به

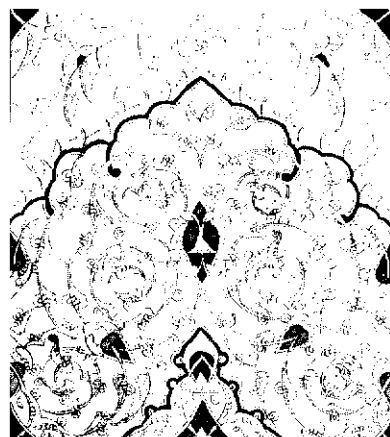
توصیه قرآن اهتمام ورزیم تا جوانان را با طبیعت و جلوه‌های گوناگون آن همواره آشنا کنیم. قرار گرفتن در دامن طبیعت، نشاط و شادی طبیعی ایجاد می‌کند و روح آدمی را برای جذب و یادگیری آماده می‌سازد.

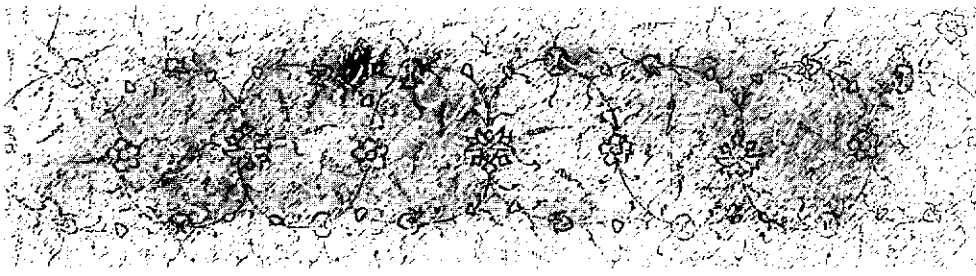
۲ - به نفس و شأن انسانی جوانان بیش از پیش احترام بگذاریم.

خداوند عزیز آن همه حرمت و حسن و کرامت برای گوهر جان آدمی قائل است. اگر ما هم قدری از این بینش و ادب الهی بیاموزیم، اتفاقات بسیار

ارزشمندی در زندگی اجتماعی رخ خواهد داد. اگر ما بزرگترها پیشقدم تقدیم رعایت ادب و احترام انسانی نشدیم، چگونه می‌توانیم از جوانان توقع رعایت آن را داشته باشیم.

سیلی نامرئی به جوان همین است که او را بی‌هیچ





شناختی، تحقیر کنیم، یا خطاب به او سخن بگویم بدون آن که برای سؤال و اندیشه او ارزشی قائل باشیم، یا او را در طرح‌ها و برنامه‌های اجتماعی و فرهنگی مشارکت دهیم.

جوانان گوهرهای شریف الهی هستند که با رشد بینش و نفس ملکوتی‌شان نعمت فرهنگ و تمدنی بزرگ و ارجمند را برای جامعه به دنبال خواهد داشت. باید به فکر و اندیشه و اعتقادات آنها دقیقاً توجه کنیم و سپس باب گفتگو و همراهی با آنها را بگشاییم. آنها را دشمن یا مزاحم ندانیم. دوستشان بداریم تا آنها نیز با مریبان و مدیران، احساس محبت و نزدیکی کنند.

۳ - دستور خداوند به اهل ایمان این است که تنها از چیزی باید پیروی کنند که از آن آگاهی دارد (ولا تقف ما لیس لک به علم).

متأسفانه به جای آن که برای جوانان، تولید آگاهی و بینش کنیم و به گرایش پرسش‌گری، کنجکاوی و جستجوی آنها پاسخ دهیم، همواره امر و نهی می‌کنیم تا آنان را مرید و پیرو خود کنیم؛ غافل از اینکه جوان امروز الزاماً راه پدران و گذشتگان خود را طی نمی‌کند. باید جوان امروز را موجود چشم و گوش بسته ندانیم.

۴ - انسان‌ها در نظام آفرینش از کرامت و عزت و هویت نیکو و زیبای الهی برخوردارند و هیچ تبعیض و نابرابری بین آنها وجود ندارد. این خطر بزرگی است که چون احساس کند، در برابر دیگران فاقد کرامت و عزت انسانی است. همین احساس او را به سوی تضادهای اجتماعی - روانی عذاب‌آوری می‌کشاند و او را از جامعه - اعم از خانواده و مدرسه و... - بیزار می‌کند.

تا بشر هوس‌های خودخواهانه را در خود از بین نبرد، نمی‌تواند در مسیر کمال، آزادی و دوستی حقیقی قرار گیرد و نیز نمی‌تواند شیرینی و حلاوت عمل صالح، انصاف، تقوی، اخلاص و احسان، ارتقای فکر و وجدان را در عالم معنا دریابد و اکسیر شفا بخش عشق و اشتیاق به دیدار دوست را لمس کند؛ زیرا همه چیز را برای خود می‌خواهد؛ لذا چنین شخصی نمی‌تواند داور منصف و عادل باشد؛ همچنین، نمی‌تواند به طور حقیقی مهربانی و دوستی بورزد و ادعایی کاذب است؛ زیرا

دیگران را برای خود می‌خواهد. او نمی‌تواند معنای درست عشق را بفهمد؛ زیرا معشوق را برای کمال و جمال و جلال او نمی‌خواهد؛ بلکه برای خدمت به نیازها و تمناهای نفس ظلمانی خود می‌خواهد. نمی‌تواند به سوی کمال، نور، معرفت، آزادی، رستگاری و اشتیاق به عمل صالح حرکت کند؛ چون آن قدر حوائج نفسانی - از قبیل: شکم پرستی، پول پرستی، شهرت یا مقام پرستی، جمع‌آوری اموال و... - هست که باید در استخدام و گرفتار آنها باشد.

با ذکر چند مثال در حوزه آموزش و پرورش جوانان، بیشتر می‌توانیم به درستی و حقانیت پیام قرآن پی ببریم. آیا فکر کرده‌ایم که چرا جوان ما در دبیرستان و دانشگاه نمی‌تواند اندیشه خود را به دقت تنظیم و با جسارت به عنوان یک طرح و فکر تازه عرضه کند؛ در حالی که مدرسه و دانشگاه جای شکوفایی پرسش‌ها و اندیشه‌ها و نظریات اساسی او در حوزه علم و دانش است؟ به این علت که جوانان به ظاهر در مدرسه و دانشگاه هستند؛ اما در واقع، فکر، روح و دلبستگی‌شان با مدرسه و دانشگاه نیست.

ما به پیام قرآن گوش دل نسپرده‌ایم و نگذاشته‌ایم آن وجه خلقت عالی انسان (نفخه الهی) فرصت ظهور و بروز پیدا کند. اجازه نداده‌ایم، فطرت کریم و عزیز انسانی فعال شود تا بتواند به سوی شناخت حقیقت خود و استفاده درست از گوش و چشم، تفکر و درک قلبی (شهودی) حرکت کند. ما کلاس‌های درس و مدرسه و دانشگاه را فقط برای خود و رفع حوائج نفسانی خودمان می‌خواهیم. به همین دلیل است که محیط‌های آموزشی امروز به محیط‌های تجاری تبدیل شده؛ لذا زمینه پرورش انسان‌های فاضل و الگوی علمی - اخلاقی را نمی‌تواند تربیت کند.

۵ - عالمان عامل در حل تضادهای اجتماعی - روانی نسل جوان تأثیر بسزایی می‌گذارند. تأکید عالمان بر حل مسائل اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی جوانان در عمل، برکات همبستگی و وحدت ایمانی و اخوت صادقانه را در جامعه افزایش می‌دهد؛ زیرا عالمان راه درمان دردها و مسائل را می‌دانند؛ اما اگر عالمان سکوت کنند یا عمل مربوط به حوزه علم خود را کنار بگذارند،

